سنجش فضایی مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر آگاهی‌های زیست‌محیطی مناطق پیراشهری، شهرستان گرگان

یوسف درویشی*، سید محمد موسوی پارسایی**، مهین پیره***، رضا سارلی****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۰۹

چکیده

امروزه راهبردهای زیست‌محیطی در برنامه‌ریزی روستایی، سازماندهی فعالیت‌های مرتبط با منابع طبیعی با هدف حفاظت از محیط از طریق آگاه‌سازی جوامع محلی می‌باشد. در همین راستا، پژوهش حاضر درصدد تبیین تحلیل فضایی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر آگاهی‌های زیست‌محیطی روستاییان شهرستان گرگان می‌باشد. تحقیق حاضر از حیث روش، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات، پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را سرپرستان خانوارهای روستایی شهرستان گرگان تشکیل می‌دهند. برای انتخاب خانوارهای نمونه، کلیه روستاها با توجه به طبقه‌ای (برحسب خانوار) که در آن قرار داشتند، کدبندی و با استفاده از نرم‌افزار Mini-Tab، تعداد هشت روستا به‌شیوه کاملاً تصادفی (چهار روستا در منطقه دشتی و چهار روستا در مناطق پایکوهی) انتخاب شدند. بدین ترتیب حجم کل خانوارهای انتخابی، ۹۹۵ به‌دست آمده که براساس فرمول کوکران، نمونه‌ای به تعداد ۱۷۷ نفر انتخاب گردیده است که به‌منظور صحت بیش‌تر، ۱۸۰ نفر برای مطالعه انتخاب شدند که این تعداد به‌روش تخصیص متناسب، بین هشت روستای نمونه به صورت تصادفی سیستماتیک توزیع شده است. ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه می‌باشد که اعتبار ابزار تحقیق نیز با استفاده از اعتبار صوری (مراجعه به متخصصان) تأیید شد و برای تعیین ارزیابی پایایی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که با توجه به عدد به‌دست آمده (۰/۸۷) می‌توان گفت پرسشنامه تحقیق از پایایی بالایی برخوردار است. یافته‌های تحقیق حاکی از وجود رابطه معنادار بین عوامل اجتماعی و آگاهی‌های زیست‌محیطی روستاییان می‌باشد، همچنین نتایج گویای آن است که بین عوامل اقتصادی و آگاهی‌های زیست‌محیطی روستاییان، هیچگونه رابطه معناداری وجود ندارد.

کلمات کلیدی: سنجش فضایی، مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی، آگاهی‌های زیست‌محیطی، روستاییان شهرستان گرگان.

* استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. phddarvishi @yahoo.com
**دانشجوی دکترا جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
***دانشجوی‌ارشد هیدورژئومورفولوژی- برنامه‌ریزی محیطی دانشگاه مازندران، ایران.
****دانشجوی‌ارشد گروه جغرافیا، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران.

مقدمه

مسائل زیست‌محیطی منحصر به یک جامعه یا مکان جغرافیایی خاص نیستند بلکه ابعادی فراملیتی دارند. در نتیجه این واقعیت برای انسان نمایان می‌شود که بروز مشکلات و معضلات در هر نقطه از زمین می‌تواند پیامدهای مختلفی در دیگر نقاط به‌همراه داشته باشد. امروزه بحران محیط‌زیست، ناشی از فقدان دانش و آگاهی بشر از مسائل محیط‌زیست می‌باشد. به‌طوری که فریتیوف معتقد است که تحصیل آگاهی زیست‌محیطی نخستین گام در راه نیل به پایداری است و اساساً شرط بقای آینده بشریت آگاهی زیست‌محیطی، توانایی فهم اصول شناخت محیط‌زیست و زندگی کردن بر پایه آن‌هاست. یکی از پیش فرض‌های اساسی در مطالعات محیط‌زیست این است که بسیاری از مشکلات زیست‌محیطی را می‌توان با افزایش آگاهی عمومی در مورد محیط‌زیست برطرف کرد. به‌عبارت دیگر اعتقاد بر این است که آگاهی زیست‌محیطی کلید حل بسیاری از مشکلات زیست‌محیطی در نتیجه توسعه پایدار است (صالحی و امام قلی، ۱۳۹۱: ۱۲۳-۱۲۶). روستاها به‌عنوان یکی از مکان‌های قابل‌زیست با توجه به نزدیکی خاصی که به طبیعت پیرامون خود دارند، بیش‌ترین تأثیر را بر محیط گذاشته و همچنین بیش‌ترین تأثیر را از محیط دریافت می‌کنند لذا بواسطه این ارتباط نزدیک، نقش و تأثیر مهمی در محیط‌زیست دارند (مطیعی لنگرودی و همکاران،۱۰۲:۱۳۹۰). به‌همین دلیل امروزه آگاهی روستاییان از مسائل زیست‌محیطی پیرامون خود به‌عنوان مهم‌ترین برنامه در کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه در راستای دستیابی به توسعه پایدار محیط‌زیست مطرح می‌شود. هم‌اکنون رویکردهای توسعه پایدار روستایی همه‌جانبه به‌دنبال نفوذ پارادایم‌های جدید توسعه برای ارائه یک چهارچوب مطمئن، با هدف اصلاح و پیشرفت مفاهیم کلیدی در سیاست‌های توسعه‌ای همانند پایداری، مشارکت خود جوش و آگاهانه، خودآگاهی وآگاهی‌های محیطی هستند (افتخاری وهمکاران، ۱۳۸٤: ۱۱۲). بنابراین امروزه این ایده که "در بین عوامل محرک و بسترساز برنامه‌های اقدام برای توسعه پایدار روستایی، شاید مهم‌ترین عامل، ادراک و آگاهی ساکنان مناطق روستایی از توانایی‌های خود و محیط پیرامون باشد" مورد توجه و اتفاق نظر اکثر صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی و توسعه روستایی قرار گرفته است. لذا با مطالعه متون و ادبیات موجود استنباط می‌شود بیش‌تر پارادایم‌های جدید توسعه پایدار روستایی بر اهمیت نقش آموزش‌های مبتنی بر آگاه‌سازی روستاییان و نیز بر دسترسی برابر افراد روستایی به منابع اطلاعاتی تأکید دارند و راهبرد مناسب برای این منظور را نیز، رهیافت‌های ترویجی اطلاع‌رسانی می‌دانند. درهمین راستا، آن‌ها براین باورند که نیازهای آموزشی، ترویجی و اطلاع‌رسانی روستاییان فراتر از نیازهای امور کشاورزی می‌باشد که تاکنون محوراغلب راهبردهای ترویجی واطلاع‌رسانی روستایی بوده است (افتخاری، ۱۳۸٤: ۱۱٦). لذا با توجه به ضرورت و اهمیت آگاهی روستاییان از مسائل زیست‌محیطی، پژوهش حاضر درصدد شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر آگاهی‌های زیست‌محیطی روستاییان ساکن در شهرستان گرگان می‌باشد. با توجه به مسائل مطرح شده، سؤال اساسی تحقیق این‌گونه مطرح می‌شود: آگاهی‌های روستاییان پیرامون محیط‌زیست چه میزان می‌باشد؟ و عوامل اجتماعی- اقتصادی خانوارهای روستایی تا چه‌حد باعث آگاهی‌های زیست‌محیطی آنان می‌شود؟

مبانی نظری

امروزه پژوهشگران براین باورند که افزایش آگاهی عمومی زیست‌محیطی می‌تواند مسائل و مشکلات زیست‌محیطی را کاهش دهد و منجر به رفتارهای مسئولانه در برابر محیط‌زیست شود. یک رفتار مخرب زیست‌محیطی در مکان و زمان معین می‌تواند تأثیرات ناخواسته فراوانی در سایر مکان‌ها و زمان‌ها داشته باشد و صدمات جبران‌ناپذیری بر اکوسیستم‌های آینده و بر زندگی نسل‌های فردا وارد آورد. در چنین شرایطی دستیابی به توسعه پایدار ناممکن به‌نظر می‌رسد چراکه رابطه بین توسعه پایدار و محیط‌زیست رابطه‌ای دوسویه است و غفلت از محیط‌زیست مانع از دستیابی به اهداف توسعه می‌شود (گراوندی و همکاران، ۱۳۹۰: ٦٨). کسب آگاهی زیست‌محیطی نخستین گام در راه پایداری است و اساساً شرط بقای آینده بشریت آگاهی زیست‌محیطی، توانایی فهم اصول شناخت محیط‌زیست و زندگی کردن بر پایه آن‌هاست (فریتیوف، ۱۳۸٦: ۲۸۳). براین اساس از نظر مفهومی، آگاهی زیست‌محیطی یعنی میزان اطلاعات فرد در مورد مسائل زیست‌محیطی و عوامل مؤثر در گسترش آن و شناخت چگونگی رفتار جهت بهبود معضلات آن است. اما از نظر عملیاتی شامل اطلاعات عمومی افراد درباره اهمیت و نقش محیط‌زیست در زندگی‌شان می‌باشد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۱؛ لئونیدو و همکاران، ۲۰۱۰). گامبرون و سویتزکی نیز آگاهی زیست‌محیطی را توانایی فرد در درک و ارزیابی تأثیرگذاری جامعه بربوم‌سازگان (اکوسیستم) تعریف می‌کنند، به‌صورتی که این آگاهی در قالب درک مسائل مربوط به محیط‌زیست و منشأ به وجود آمدن آن‌ها و پیامدهای ناشی از آن مسائل جلوه‌گر می‌شود (صالحی، ۲۰۰۸).

بنابراین ضرورت دارد که انسان‌ها در رفتارهای زیست‌محیطی خود تجدید نظرکنند، به گونه‌ای که این رفتارها در جهت حفظ سلامت محیط‌زیست و جلوگیری از آلوده کردن آن جهت یابند تا بتوان از بروز چالش‌های بیش‌تر در آینده پیشگیری به عمل آورد (رهید و همکاران،۲۰۱۵؛ برتون،۲۰۱٤). البته رفتاری که افراد در قبال محیط‌زیست دارند، خود تحت تأثیر عامل‌های بسیاری است که براساس بررسی‌های مختلف، آگاهی زیست‌محیطی یکی از عامل‌های اثرگذار بر رفتارهای افراد در قبال محیط‌زیست و جهت‌دهی به این رفتارها در رسیدن به اهداف توسعه پایدار می‌باشد (ییل‌دیز و همکاران،۲۰۱۱؛ تسکین،۲۰۰۹؛ خواجه شاهکویی و همکاران،۱۳۹٤).

اکنون مسائل زیست‌محیطی به قدری دامنه پیدا کرده‌اند که قلمرو آن‌ها دیگر به مسائل فنی ختم نمی‌شود. در حال حاضر مسائل زیست‌محیطی عمیقاً مفهوم اجتماعی یافته‌اند و ریشه فرهنگی- اجتماعی دارند. حفظ محیط‌زیست به مسائل زیادی ارتباط دارد که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آن مسئله فرهنگ اجتماعی است (اسلام‌زاده، ۱۳۸۲: ٤۳). فرهنگ عامل اصلی و به‌معنای موتور توسعه پایدار و حفاظت از محیط‌زیست است. بهبود محیط‌زیست زمانی حاصل خواهد شد که محیط طبیعی و فرهنگی انسان با هم مرتبط باشند. لازمه تحقق چنین هدفی، وجود اخلاق زیست‌محیطی در تمامی اقشار یک جامعه در یک کشور می‌باشد. اخلاق زیست‌محیطی رفتار ایده‌آل بشر نسبت به محیط زندگی خود اعم از محیط طبیعی، محیط اجتماعی و فرهنگی است (اژدری، ۱۳۸۲: ۲۷ -۲۸). بنابراین اطلاعات زیست‌محیطی به‌منزله نخستین گام در جهت مشارکت شهروندان در مسائل زیست‌محیطی به رسمیت شناخته شده است. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که اولین گام در فرآیند

آموزش حفاظت از محیط‌زیست، دستیابی بـه اطلاعـات از طریق رسانه‌هاست. دستیابی هرشهروند بـه اطلاعـات زیسـت‌محیطـی امـری مهـم اسـت کـه مـی‌توانـد بـه متغیرهای دیگری ماننـد سـطح تحصـیلات و یـا طبقـه اجتمـاعی مـرتبط باشـد. بـه‌دسـت آوردن اطلاعـات زیست‌محیطی نه‌تنها یک نقطه شروع است، بلکه بخـش جـدایی‌ناپـذیر از فراینـد آمـوزش مـی‌باشـد (شـبیری و همکـاران، ۱۳۹۳: ۸۷). بـا افـزایش آلـودگی‌هـای زیست‌محیطی اقتصاد محیط‌زیسـت بـه‌عنـوان شـاخه‌ای از علم اقتصاد که نه‌تنها جنبه‌های اقتصادی محیط‌زیست را در بـرمـی‌گیـرد، بلکـه بـه تـأثیر متقابـل اقتصـاد و محیط‌زیست توجه دارد، مطرح شده است (ترنر، ۱۳۸۸: ۱۰). اقتصاد علم استفاده بهینه از منـابع اسـت. آگـاهی از این علم و اسـتفاده از آن بشـر را قـادر مـی‌سـازد تـا از منابع کمیاب طبیعت به‌نحو مطلـوب اسـتفاده نمایـد. اما باید به این نکته توجه داشـت کـه نفـع خـود بایـد در راستای منافع جامعه قرار گیرد. به‌همین دلیل استفاده بهینه از منابع طبیعت بایـد در راسـتای منـافع جمعـی و با لحاظ منافع نسـل‌هـای آتـی و بـه حـداقل رسـانیدن تخریـب و آلـودگی محـیط‌زیسـت صـورت پـذیرد (رضـوی، ۱۳۹۲: ۲۳). بـا توجـه بـه اهمیـت تـأثیر آگاهی‌های زیست‌محیطی بر چگونگی رفتارهـای افـراد در قبال محیط‌زیست خـود، پـژوهش‌هـای بسـیاری در ایـن زمینـه صـورت گرفتـه اسـت. ازجملـه نتـایج بررسـیاوگوز و کـاواس (۲۰۱۷)، درزمینـه بررسـی آگاهی‌های زیست‌محیطـی دانشـجویان در ترکیـه نشـان داد کـه آگـاهی دانشـجویان در سـطح محـدودی قـرار داشـته و ارتبـاطی بـین ایـن میـزان از آگـاهی بـا سطح تحصـیلات والـدین دانشـجویان وجـود نداشـت. همچنـین تکسـوز و همکـاران (۲۰۱۷)، در بررسـی میزان سواد زیست‌محیطی دانشجویان دانشـکده شـیمی در دو دوره پیش و پس از آموزش‌های زیسـت‌محیطـی بـه ایـن نتیجـه رسـیدند کـه تفـاوت معنـاداری در میزان آگاهی‌های زیست‌محیطی آنـان در دو دوره پـیش و پس از آموزش وجـود دارد. از طرفـی پـژوهش کـوز و همکـاران (۲۰۱۸)، بـه‌منظـور بررسـی میـزان آگاهی زیست‌محیطـی دانشـجویان در ترکیـه نشـان داد که آگاهی نسبت به محیط‌زیست بر حسب نوع دانشکده و جنسـیت متفـاوت اسـت. هوشـمندان مقـدم فـرد و شمس (۱۳۹٦)، نیز در زمینه شناسایی عامـل‌هـای مـؤثر بـر نگـرش آموزگـاران ابتـدایی شـهر زنجـان در گنجانـدن آمـوزش‌هـای کشـاورزی ومحـیط‌زیسـت در برنامه‌هـای درسـی نشـان دادنـد کـه بیشـتر آموزگـاران (۷۸/٤ درصـد)، دارای نگـرش مسـاعدی در زمینـه گنجانـدن موضـوع‌هـای کشـاورزی و محـیط‌زیسـت دربرنامـه‌هـای آموزشـی هسـتند و آموزگـاران بـا تجربـه پیشـین کـار کشـاورزی نگـرش مسـاعدتری در مقایسه با آموزگاران بدون تجربه کار کشاورزی داشـتند و پیشـینه تـدریس در روسـتا رابطـه مثبـت و معنـادار بـا نگـرش زیسـت‌محیطـی داشـته و در مقابـل سـن، پیشینه تدریس کل و سطح تحصـیلات بـانگرش مـورد بحـث رابطـه معنـاداری نداشـتند. خواجـه شـاهکویی و همکـاران (۱۳۹٤)، در بررسـی عامـل‌هـای مـؤثر بر آگاهی‌های زیست‌محیطی روستاییان دهستان جـاغرق شهرسـتان بینـالود بـه ایـن نتـایج دسـت یافتنـد کـه میزان آگـاهی‌هـای روسـتاییان از امـور زیسـت‌محیطـی پیرامـون خـود در حـد متوسـطی مـی‌باشـد. از سـویی مشخص شد که بین سـن، تحصـیلات، بررسـی کتـاب، روزنامـه و مجلـه، میـزان درآمـد سـالانه و شـرکت در دوره‌هـای آموزشـی‌ترویجـی باسـطح آگـاهی‌هـای زیست‌محیطی آنان همبستگی مثبت و معنـاداری وجـود دارد (تصویرشماره۱).

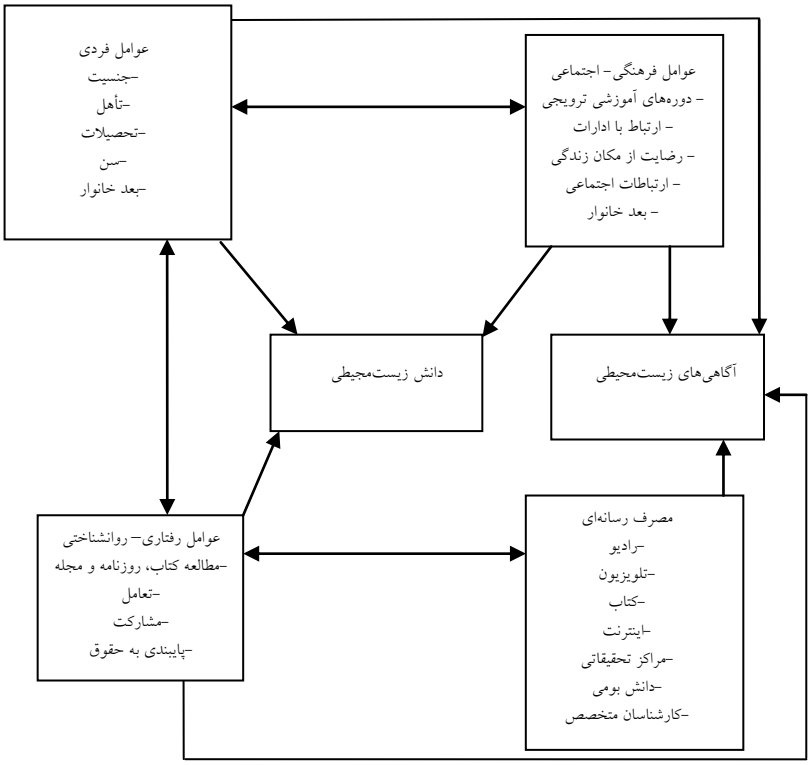

ت۱. مدل مفهومی پژوهش.

روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ جهت‌گیری پژوهش و هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی است زیرا در جهت توسعه دانش کاربردی (وضعیت آگاهی‌های زیست‌محیطی روستاییان مورد مطالعه در شهرستان گرگان) انجام می‌گیرد و نتایج آن برای برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران امر قابل استفاده می‌باشد. از لحاظ زمانی نیز، با عنایت به‌اینکه این پژوهش در یک مقطع زمانی خاص و معین انجام می‌گیرد از نوع پژوهش‌های تک مقطعی می‌باشد. در این تحقیق از جنبه منطق یا رویکرد پژوهشی، با توجه به‌اینکه به‌دنبال تحلیل فضایی عوامل مؤثر بر آگاهی‌های زیست‌محیطی روستاییان در شهرستان گرگان است و از سویی درصدد امکان تعمیم‌دهی نتایج آن می‌باشد، از رویکرد استقرایی بهره گرفته شده و با کمک تکنیک‌های نمونه‌گیری، سعی در تعمیم نتایج حاصله از این تحقیق به جامعه می‌باشد. همچنین از نظر میزان نظارت و درجه کنترل متغیرها و تحلیل داده‌ها به‌ترتیب: غیر آزمایشی و توصیفی- استنباطی است. در این پژوهش جامعه آماری مورد نظر ما حدود ۱۹۹۵ خانوار ساکن (به‌صورت فعلی) در هشت روستا می‌باشند که با استفاده از فرمول تعیین حجم کوکران نمونه‌ای به تعداد ۲۷۷ نفر انتخاب گردید که به‌منظور دقت بیش‌تر ۲۸۰ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند و روش نمونه گیری ساده برای تکمیل پرسشنامه جهت بررسی آگاهی‌های زیست‌محیطی روستاییان انتخاب شد. نمونه‌ها به‌صورت تصادفی از بین روستاییان انتخاب شدند. ابتدا هشت روستا به‌طور تصادفی انتخاب شدند، حجم نمونه به‌طور متناسب بین روستاها تخصیص یافت و سپس به‌صورت تصادفی نمونه‌ها از روستاها انتخاب شدند.

محدوده مورد مطالعه

شهرستان گرگان در بخش جنوبی استان گلستان واقع شده است و در طول جغرافیایی ٥٤ درجه و ٢٥ دقیقه و در عرض ٣٦ درجه و ٥٠ دقیقه واقع شده است. گرگان دارای آب‌وهوای معتدل می‌باشد. وسعت شهرستان گرگان ١٦١٥/٨ کیلومتر مربع (٧/٩١ درصد از مساحت استان) می‌باشد و براساس تقسیمات کشوری سال ٨٩ از دو بخش مرکزی و بهاران و سه شهر گرگان، سرخنکلاته و جلین، پنج دهستان و ٩٧ روستا تشکیل شده است. روستای لسمک در ٥ کیلومتری غرب گرگان و روستای امیرآباد در ٧ کیلومتری جنوب در امتداد محور آق‌قلا به گرگان وروستایی آلوکلاه توشن در ٩ کیلومتری گرگان در امتداد جاده آق‌قلا به سرخنکلاه، گرگان استقرار یافته و روستای شمس‌آباد در ٢٥ کیلومتری گرگان در امتداد جاده گرگان به مشهد و روستای زیارت در ١٩ کیلومتری جنوب گرگان در جنگل‌های هیرکانی و روستاهای قرن‌آباد، چهارباغ و شاهکوه سفلی در محور توسکستان در امتداد جاده گرگان به شاهرود در نواحی کوهستانی وکوهپایه‌ای واقع شده‌اند (تصویرشماره٢).

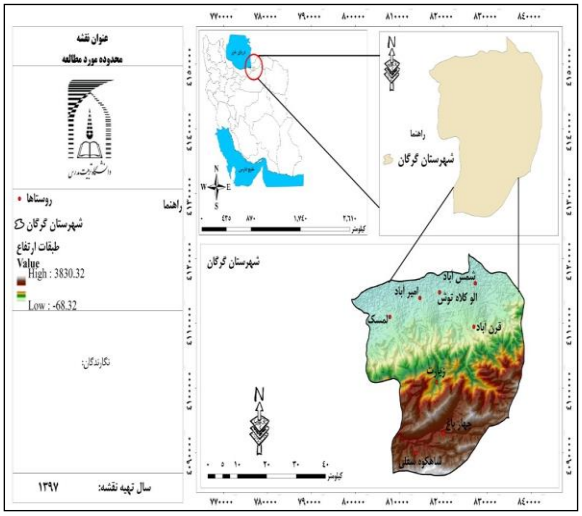

ت ٢. محدوده مورد مطالعه.

یافته‌های تحقیق

از مجموع ١٨٠ نفر نمونه آماری،٩٦/١ درصد از جامعه آماری را مردان و ٣/٩ درصد از جامعه آماری مورد مطالعه را زنان تشکیل می‌دهند. با توجه به اینکه جامعه آماری این تحقیق، سرپرستان خانوارها می‌باشند و معمولا سرپرستان خانوار مردان هستند، فقط مواردی که زنان به‌دلیل فوت شوهرشان یا به‌علت جدایی سرپرست خانوار محسوب می‌شدند مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند. بیش‌ترین فراوانی مربوط به گروه سنی بین ٤٠-٣١ سال با ٢٧/٩درصد می‌باشد و گروه سنی بین ٣٠-٢٠ سال با ١٠/٧درصد در پایین‌ترین رده قرار دارند. در روستاهای دشتی، بیشترین فراوانی تحصیلات مربوط به راهنمایی با ٣١/٣ درصد و در روستاهای پایکوهی دیپلم با ٣١/٥ درصد بوده است. بیش‌ترین فراوانی نوع فعالیت پاسخگویان مربوط به شغل کشاورزی با ٧٥/٣ درصد در روستاهای دشتی و ٧١/٥ درصد در روستاهای پایکوهی و کمترین فراوانی مربوط به شغل کارگری با ٢/٧ درصد در روستاهای دشتی و ١/٥ درصد در روستاهای پایکوهی می‌باشد.

عوامل اجتماعی

در بخش عوامل اجتماعی سه متغیر مستقل (میزان استفاده از رسانه‌های دیداری و شنیداری، بررسی متغیرهای اجتماعی به‌عنوان نقاط قوت فراروی افزایش آگاهی زیست‌محیطی و متغیرهای اجتماعی به‌عنوان موانع و ضعف‌های فراروی آگاهی زیست‌محیطی) استفاده شده است. در فرضیه شماره یک به بررسی رابطه متغیر مستقل (عوامل اجتماعی) و متغیر وابسته (آگاهی‌های زیست‌محیطی) با استفاده آزمون کلموگروف (جدول شماره١) و ناپارامتریک فریدمن (جدول شماره٢) در دو منطقه دشتی و پایکوهی پرداخته‌ایم.

مؤلفه‌های اقتصادی	آماره آزمون	سطح معناداری
رادیو	۰/۲۳۱	۰/۳۵۲ (NS)
تلویزیون	۰/۲۷٤	۰/۱۳۱ (NS)
کتاب	۰/۲۰۹	۰/۲۵۷ (NS)
نشریات ترویجی	۰/۱۹۳	۰/۳۹۱ (NS)
مراکز و ایستگاه‌های تحقیقاتی	۰/۲۵۳	۰/۰۸۱ (NS)
استفاده از کارشناسان متخصص زیست‌محیطی	۰/۲۲٤	۰/٤۵۳ (NS)
دانش بومی منتقل شده از نیاکان	۰/۲۹۳	۰/۱۸۳ (NS)
کلاس‌های آموزشی دهیاری	۰/۲٦۱	۰/۱۲۲ (NS)
کشاورزان نمونه منطقه	۰/۲۷۹	۰/۸۵۷ (NS)

ج ۱. بررسی میزان نرمال بودن داده‌های مؤلفه تأثیر وسایل ارتباط جمعی در کسب آگاهی زیست‌محیطی روستاهای دشتی با استفاده از آزمون کلموگروف سطح معناداری تا۹۹٪، سطح معناداری تا ۹۵٪ ، عدم معناداری (NS)، مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷.

مؤلفه‌ها	میانگین رتبه‌ای	ضریب کای اسکوئر	درجه آزادی	سطح معناداری
رادیو	۵/۰۰	٤۰٤/۱۱۰	۸	۰.۰۰۰
تلویزیون	۷/۵۳			
کتاب	٤/٦۳			
نشریات ترویجی	۳/٤۰			
مراکز و ایستگاه‌های تحقیقاتی	۳/۱۳			
استفاده از کارشناسان متخصص زیست‌محیطی	٤/٦۰			
دانش بومی منتقل شده از نیاکان	٦/٤۸			
کلاس‌های آموزشی دهیاری	٤/۱۱			
کشاورزان نمونه منطقه	٦/۱۱			

ج ۲. نتایج آزمون فریدمن پیرامون تأثیر وسایل ارتباط جمعی در کسب آگاهی زیست‌محیطی روستاهای دشتی، ۹۹٪ معناداری.

با توجه به آزمون که جهت بررسی توزیع نرمال داده‌ها و با توجه به سطح معناداری اختصاص یافته به هریک از زیر مؤلفه تأثیر وسایل ارتباط جمعی در کسب آگاهی زیست‌محیطی روستاهای دشتی، با در نظر گرفتن مقدار آماره آزمون اختصاص یافته به هر زیرمؤلفه می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که با توجه به مقدار معناداری مقدار ۰/۰۰۰ نشان از رد فرض صفر دارد. یعنی دلیلی برای تأیید این فرضیه که "نمونه مورد نظر از توزیع نرمال برخوردار می‌باشد"، وجود ندارد. به‌عبارتی توزیع این نمونه، نرمال نمی‌باشد. و بین داده‌ها در بین این آزمون توزیع متفاوت وجود دارد. به‌عبارت کلی: نظرات افراد در پاسخ‌گویی به بخش‌های مرتبط به این جدول متفاوت نبوده است. و جهت تکمیل عملکرد این آزمون از آزمون (ناپارامتریک) استفاده می‌کنیم که علت استفاده از آزمون تی بدلیل توزیع نرمال داده‌های در آزمون کلموگروف می‌باشد که نتوانسته از طریق آن آزمون به هدف مذکور دست یافت به همین دلیل از آزمون مکمل تی تک نمونه‌ای در این قسمت استفاده می‌شود.

براساس آزمون فریدمن سطح معناداری ۹۹ درصد برای شاخص‌های وسایل ارتباط‌جمعی تأثیرگذار بر آگاهی زیست‌محیطی بدست آمده است که این امر بیانگر میزان تأثیرگذاری بسیار بالای این شاخص‌های ارتباط جمعی در روستاهای دشتی بر روی آگاهی زیست‌محیطی روستاییان این مناطق می‌باشد که تحت تأثیر عوامل مختلفی چون دسترسی آسان و ارزان به این عوامل و قدمت منطقه و تلاش‌های دستگاه‌های ذی‌ربط در افزایش آگاهی بومیان از طریق آموزش‌های رسمی و غیر رسمی می‌باشد و با توجه به داده‌های جدول ذکر شده باید گفت تلویزیون بیش‌ترین تأثیر مثبت در ایجاد امنیت را با میانگین رتبه‌ای ۷/۵۳ به خود اختصاص داده و مراکز و ایستگاه‌های تحقیقاتی با میانگین رتبه‌ای ۳/۱۳ که پایین‌ترین میانگین رتبه‌ای موجود است کمترین تأثیرگذاری را در آگاهی زیست‌محیطی روستاییان مناطق دشتی داشته است.

براساس جدول شماره۳ سطح معناداری ۹۹ درصد برای شاخص‌های وسایل ارتباط‌جمعی تأثیرگذار بر آگاهی زیست‌محیطی در روستاهای پایکوهی بدست آمده است که این امر بیانگر میزان تأثیرگذاری بسیار بالای این شاخص‌های وسایل ارتباط‌جمعی در روستاهای پایکوهی بر روی آگاهی زیست‌محیطی روستاییان این مناطق می‌باشد که تحت تأثیر عوامل مختلف قدمت منطقه و تلاش‌های دستگاه‌های ذی‌ربط در افزایش آگاهی بومیان از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی می‌باشد و با توجه به میانگین رتبه‌ای بدست آمده باید گفت تلویزیون بیش‌ترین تأثیر مثبت در ایجاد امنیت را با میانگین رتبه‌ای ۷/۳۳ به خود اختصاص داده و نشریات ترویجی با میانگین رتبه‌ای ۳/۰٤ که پایین‌ترین میانگین رتبه‌ای موجود است، کم‌ترین تأثیرگذاری را در آگاهی زیست‌محیطی روستاییان مناطق پایکوهی داشته است که این امر بیش‌تر تحت تأثیر بعد مسافت بین واحدهای چاپی نشریات و روستاییان می‌باشد.

مؤلفه‌ها	میانگین رتبه‌ای	ضریب کای اسکوئر	درجه آزادی	سطح معناداری
رادیو	۵/۰۱	۳۹٦/۷۸۹	۸	۰۰۰. (**)
تلویزیون	۷/۳۳			
کتاب	۳/۸۳			
نشریات ترویجی	۳/۰٤			
مراکز و ایستگاه‌های تحقیقاتی	٤/۰۸			
استفاده از کارشناسان متخصص زیست‌محیطی	٤/۷۳			
دانش بومی منتقل شده از نیاکان	٦/۸۲			
کلاس‌های آموزشی دهیاری	۵/۰۷			
کشاورزان نمونه منطقه	٦/۱۰			

ج ۳. نتایج آزمون فریدمن پیرامون تأثیر وسایل ارتباط جمعی در کسب آگاهی زیست‌محیطی روستاهای پایکوهی (**) ۹۹٪ معناداری.

براساس جدول شماره ٤ که از طریق آزمون ناپارامتریک فریدمن به بررسی تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی بر روی آگاهی زیست‌محیطی بومیان روستاهای دشتی انجام گرفته با توجه به مؤلفه‌هایی که از بومیان نسبت به این موضوع مورد سنجش قرار گرفته‌اند می‌توانیم به این نتیجه برسیم که تا سطح معناداری ۹۹ درصد از منظر بومیان عوامل اجتماعی بر روی آگاهی‌زیست‌محیطی آن‌ها مؤثر بوده است اما میزان تأثیرگذاری این عوامل در این منظر متناوب بوده که بیش‌ترین تأثیرگذاری، آشنایی با نحوه تشکیل، مدیریت و عضویت در تشکل‌های جمعی بوده که از نظر روستاییان مناطق دشتی بیش‌ترین تأثیر را در افزایش آگاهی زیست‌محیطی آن‌ها داشته و کم‌ترین مؤلفه تأثیرگذار را آموزش روستاییان به خود اختصاص داده که این امر نشان‌دهنده این موضوع می‌باشد که روستاییان از تلاش‌های دستگاه های آموزشی در افزایش آگاهی زیست‌محیطی رضایت ندارند و آن را نسبت به بخش‌های مختلف دخیل در این امر در بخش مؤلفه‌های اجتماعی ضعیف‌ترین و کم کارآمدترین بخش می‌دانند که با این تفاسیر نیازمند تلاش برای ارتقا و تغییر در نحوه آموزش بومیان از آگاهی‌های زیست‌محیطی در منطقه دشتی می‌باشد.

گویه‌ها	میانگین رتبه‌ای	ضریب کای اسکوئر	درجه آزادی	سطح معناداری
فراهم کردن مشارکت روستاییان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محیط‌زیست	٦/٠٢	٢٢٩/٥٧٧	١٤	٠.٠٠٠ (**)
آموزش روستاییان	٥/٨٥			
کاهش فقروبیکاری	٧/٦٥			
کیفیت خدمات و مسکن	٩/٩٣			
کیفیت دسترسی به اطلاعات و ارتباطات	٧/٥٤			
فعالیت‌های آموزشی مدارس	٨/٠٢			
برنامه‌های تلویزیونی و رسانه‌های گروهی	٦/٦١			
استفاده از کارشناسان زیست‌محیطی	٧/٦٦			
آشنایی با نحوه تشکیل، مدیریت و عضویت در تشکل‌های جمعی	١٠/٤١			
میزان مطالعه کتاب‌های مرتبط با محیط‌زیست	٨/٧٩			
رضایت از مکان زندگی خود	٨/١١			
دسترسی به زیر ساخت‌های آموزشی	٨/٩١			
ارتباط با نهادها و ارگان‌های دولتی	٩/٣٧			
شرکت در کلاس‌های ترویجی جهت حفظ محیطزیست	٧/٩٠			
آشنایی با تکنولوژی جدید در امور کشاورزی	٧/٢٣			

ج ٤. بررسی نقش مؤلفه‌های اجتماعی جهت افزایش آگاهی زیست‌محیطی با استفاده از آزمون فریدمن برای روستاهای دشتی، (**) ٩٩٪ معناداری.

براساس جدول شماره ۵ که از طریق آزمون ناپارامتریک فریدمن به بررسی تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی بر روی آگاهی زیست‌محیطی بومیان روستاهای پایکوهی انجام گرفته با توجه به مؤلفه‌های که از بومیان نسبت به این موضوع مورد سنجش قرار گرفته‌اند می‌توانیم به این نتیجه برسیم که تا سطح معناداری ۹۵ درصد از منظر بومیان عوامل اجتماعی بر روی آگاهی زیست‌محیطی آن‌ها مؤثر بوده است اما میزان تأثیرگذاری این عوامل در این منظر متناوب بوده که بیش‌ترین تأثیرگذاری، آشنایی با نحوه تشکیل، مدیریت و عضویت در تشکل‌های جمعی بوده که از نظر روستاییان مناطق پایکوهی بیشترین تأثیر افزایش آگاهی زیست‌محیطی آن‌ها داشته و کم‌ترین مؤلفه تأثیرگذار را آموزش روستاییان و دسترسی به زیرساخت‌های آموزشی به خود اختصاص داده که این امر نشان‌دهنده این موضوع می‌باشد که روستاییان از تلاش‌های دستگاه‌های آموزشی در افزایش آگاهی زیست‌محیطی رضایت ندارند و آن را نسبت به بخش‌های مختلف دخیل در این امر در بخش مؤلفه‌های اجتماعی ضعیف‌ترین و کم کارآمد ترین بخش می‌دانند و عدم دسترسی را تحت تأثیر شرایط جغرافیایی واقع شده روستا می‌دانند که با این تفاسیر نیازمند تلاش برای بالا بردن و تغییر در نحوه آموزش بومیان و تغییر در نحوه دسترسی آن‌ها می‌باشد که از این طریق می‌توان آگاهی زیست‌محیطی روستاییان را تا سطح قابل قبولی بالا برد.

گویه‌ها	میانگین رتبه‌ای	ضریب کای اسکوئر	درجه آزادی	سطح معناداری
فراهم کردن مشارکت روستاییان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محیط‌زیست	٦/٤٢	١٤٨/٨٩٢	١٤	٠.٠١٢ (*)
آموزش روستاییان	٢/٢٨			
کاهش فقروبیکاری	٦/٢٤			
کیفیت خدمات و مسکن	٩/٧١			
کیفیت دسترسی به اطلاعات و ارتباطات	٨/١٥			
فعالیت‌های آموزشی مدارس	٧/٤٨			
برنامه‌های تلویزیونی و رسانه‌های گروهی	٧/٧١			
استفاده از کارشناسان زیست‌محیطی	٧/٦٦			
آشنایی با نحوه تشکیل و عضویت در تشکل‌های جمعی	٩/٧٧			
میزان مطالعه کتاب‌های مرتبط با محیط‌زیست	٨/٧٧			
رضایت از مکان زندگی خود	٨/٦٧			
دسترسی به زیر ساخت‌های آموزشی	٢/٢٨			
ارتباط با نهادها و ارگان‌های دولتی	٩/٢٤			
شرکت در کلاس‌های ترویجی جهت حفظ محیط‌زیست	٧/٩٣			
آشنایی با تکنولوژی جدید در امور کشاورزی	٧/٣٨			

ج۵. بررسی نقش مؤلفه‌های اجتماعی جهت افزایش آگاهی زیست‌محیطی با استفاده از آزمون فریدمن برای روستاهای پایکوهی، (*) ٪۹۵ معناداری.

براساس جدول شماره ٦ همان‌گونه که مشاهده می‌شود سطح معناداری ۹۵ درصد برای مؤلفه‌های مشخص شده بدست آمده است که این امر بیانگر تأثیر بسیار بالای این مؤلفه‌ها در عدم افزایش میزان آگاهی زیست‌محیطی روستاییان مناطق دشتی می‌باشد و با توجه به میانگین رتبه‌ای بدست آمده مؤلفه‌هایی که در زیرمجموعه این بخش قرار گرفته‌اند از اهمیت یکسانی برخوردار نبوده‌اند، همانطور که مشاهده می‌شود عدم استطاعت مالی/ امکانات و سرمایه ناچیز اهالی روستا بیش‌ترین تأثیر منفی را در عدم آگاهی زیست‌محیطی روستاییان با میانگین رتبه‌ای ٤/٨٢ به خود اختصاص داده و کم‌ترین میزان تأثیرگذاری آگاه نساختن مردم در مورد اهمیت محیط‌زیست با میانگین رتبه‌ای ۳/۱۷ می‌باشد که تأثیر کم این عامل بیش‌تر تحت تأثیر این مقوله است که مردم به خودی خود نسبت به اهمیت محیط‌زیست پیرامون خود آگاه می‌باشند، که با توجه به این یافته‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که میزان تأثیرگذاری این موانع‌ها در عدم توجیه و آگاهی بومیان نسبت به محیط‌زیست پیرامون بسیار تأثیرگذار بوده است که باید با برنامه‌ریزی مدون و کارآمد ابتدا میزان تأثیرگذاری این عوامل را کاهش داد و به مرور زمان بطور کل این عوامل ضعف و موانع را بطور کل از بین برد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود جدول شماره۷ سطح معناداری ۹۹ درصد برای مؤلفه‌های مشخص شده بدست آمده است که این امر بیانگر تأثیر بسیار بالای این مؤلفه‌ها در عدم افزایش میزان آگاهی زیست‌محیطی روستاییان مناطق پایکوهی می‌باشد و با توجه به میانگین رتبه‌ای بدست آمده مؤلفه‌هایی که در زیر مجموعه این بخش قرار گرفته‌اند از اهمیت یکسانی

برخوردار نبوده‌اند، برگزار نشدن کلاس‌های ترویجی و آموزشی بیش‌ترین تأثیر منفی را در عدم آگاهی زیست‌محیطی روستاییان با میانگین رتبه‌ای ٤/٧٥ به خود اختصاص داده و کم‌ترین میزان تأثیرگذاری آگاه نساختن مردم در مورد اهمیت محیط‌زیست با میانگین رتبه‌ای ٢/٨٠ می‌باشد که تأثیر کم این عامل بیش‌تر تحت تأثیر این مقوله است که مردم به خودی خود نسبت به اهمیت محیط‌زیست پیرامون خود آگاه می‌باشند، از علل اصلی پایین بودن میانگین‌های ربطی در این بخش نسبت به روستاییان مناطق دشتی پراکندگی بسیار بالای این روستاییان و کم توجهی به کاهش موانع در جهت آگاه‌سازی زیست‌محیطی این افراد می‌باشد که با توجه به این یافته‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که میزان تأثیرگذاری این موانع‌ها در عدم توجیه و آگاهی بومیان نسبت به محیط‌زیست پیرامون بسیار تأثیرگذار بوده است که باید با برنامه‌ریزی مدون و کارآمد ابتدا میزان تأثیرگذاری این عوامل را کاهش داد و به مرور زمان بطور کل این عوامل ضعف و موانع را بطور کل ازبین برد.

گویه‌ها	میانگین رتبه‌ای	ضریب کای اسکوئر	درجه آزادی	سطح معناداری
پایین بودن سطح سواد	٣/٤٠	١٠٥/٥٩٤	٦	٠.٠٣٠ (*)
برگزار نشدن کلاس‌های ترویجی و آموزشی	٤/٤٦			
ضعف برنامه‌های تلویزیونی در حوزه محیط‌زیست	٤/٥٠			
دسترسی نداشتن به اطلاعات و ارتباطات	٣/٨٠			
عدم استطاعت مالی/ امکانات و سرمایه ناچیز اهالی روستا	٤/٨٢			
عدم وجود برنامه مشخص و عدم توجه مسئولین دولتی به مشارکت مردم در طرح‌های مربوط به محیط‌زیست	٣/٨٥			
آگاه نساختن مردم در مورد اهمیت محیط‌زیست	٣/١٧			

ج ٦. بررسی نقش موانع و ضعف‌های فراروی افزایش آگاهی زیست‌محیطی روستاییان در روستاهای دشتی با استفاده از آزمون فریدمن (*) ٪٩٥ معناداری

گویه‌ها	میانگین رتبه‌ای	ضریب کای اسکوئر	درجه آزادی	سطح معناداری
پایین بودن سطح سواد	٤/٣٩	١١٩/١٢٧	٦	٠.٠٠٠ (**)
برگزار نشدن کلاس‌های ترویجی و آموزشی	٤/٧٥			
ضعف برنامه‌های تلویزیونی در حوزه محیط‌زیست	٤/٥٠			
دسترسی نداشتن به اطلاعات و ارتباطات	٣/٨٣			
عدم استطاعت مالی/ امکانات و سرمایه ناچیز اهالی روستا	٤/٣٨			
عدم وجود برنامه مشخص و عدم توجه مسئولین دولتی به مشارکت مردم در طرح‌های مربوط به محیط‌زیست	٣/٣٥			
آگاه نساختن مردم در مورد اهمیت محیط‌زیست	٢/٨٠			

ج ٧. بررسی نقش موانع و ضعف‌های فراروی افزایش آگاهی زیست‌محیطی روستاییان در روستاهای پایکوهی با استفاده از آزمون فریدمن، (**) ٪٩٩ معناداری.

عوامل اقتصادی

عوامل اقتصادی مورد سنجش در پژوهش حاضر شامل متغیرهای (نوع شغل، میزان درآمد ماهیانه، مالکیت مسکن، نوع کشت و چگونگی دسترسی به امکانات تولیدی) می‌باشد. در فرضیه شماره دو به بررسی رابطه متغیر مستقل (عوامل اقتصادی) و متغیر وابسته (آگاهی زیست‌محیطی) با استفاده آزمون‌های ناپارامتریک کروسکال والیس، یو- من ویتنی، اسپیرمن می‌پردازیم.

با توجه به جدول شماره ۸ که از طریق آزمون کروسکال والیس به سنجش میزان تأثیرگذاری شغل ساکنان روستاهای مناطق دشتی و پایکوهی بر روی میزان آگاهی زیست‌محیطی روستاییان پرداخته است با در نظر گرفتن میانگین‌های رتبه‌ای اختصاص یافته به هر شغل در دو بخش مورد سنجش (روستاهای دشتی و پایکوهی) و آماره آزمون که منوط به میانگین رتبه‌ای است و در نهایت سطح معناداری اختصاص یافته به هر بخش بطور کل تحت تأثیر تمامی شغل‌های مورد سنجش می‌توان اینگونه استدلال نمود که شغل ساکنان روستایی در مناطق دشتی باتوجه به سطح معناداری که تا سطح ۹۵ درصد را نشان می‌دهد به‌طور نسبی بر آگاهی زیست‌محیطی این روستاییان مؤثر واقع شده ولی در منطقه پایکوهی شغل ساکنین با توجه به عدم معناداری که در سطح معناداری این بخش مشهود است بر روی آگاهی زیست‌محیطی ساکنان این روستاهای (پایکوهی) تأثیرگذار نبوده بلکه عوامل دیگر در این امر دخیل می‌باشند.

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تیپ روستاها	مقوله‌ها	میانگین رتبه‌ها	آماره آزمون	سطح معناداری
نوع شغل	آگاهی‌های زیست‌محیطی	دشتی	کشاورزی	۸۰/۰٤	۱۰/۱۸۹	*۰/۰۳۷
			دامداری	۳۸/٦۷		
			اداری	۵۱/٤۵		
			ازاد	٦۷/٤۷		
			کارگری	۹٦/۸۸		
		پایکوهی	کشاورزی	٦۳/۷۳	٤/٤۱۸	ns۰/۳۵۲
			دامداری	۸۳/۷۵		
			اداری	۵۱/۸۹		
			ازاد	٦۹/۸۲		
			کارگری	٦۹/۵۰		

ج۸. تفاوت میزان آگاهی زیست‌محیطی روستاییان بر حسب نوع شغل با استفاده از آزمون کروسکال والیس، (*) ٪۹۵ معناداری.

با توجه به جدول شماره۹ که سنجش میزان تأثیرگذاری آگاهی زیست‌محیطی بر نوع کشت کشاورزان روستایی در مناطق دشتی و پایکوهی از طریق آزمون من‌ویتنی پرداخته می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری نمود که بین آگاهی زیست‌محیطی و انتخاب نوع کشت در روستاهای دشتی رابطه جود دارد بدین معنا که با در نظر گرفتن ویژگی محیطی نوع کشت دیم یا آبی را انتخاب می‌کنند ولی در روستاهای پایکوهی زیاد مؤثر نیست به این دلیل که در مناطق پایکوهی بخاطر محدود بودن اراضی زیرکشت کشاورزان بیش‌تر نوع کشتی را انتخاب می‌کنند که بیشترین بازده محصول را دارد در نتیجه سود بیشتری بهره ببرند، علت عدم معناداری در این بخش هم تحت تأثیر این امر می‌باشد.

متغیر وابسته	متغیر مستقل	نوع روستا	نوع کشت	میانگین رتبه‌ها	آماره آزمون	سطح معناداری
آگاهی‌های زیست‌محیطی	نوع کشت	دشتی	کشت آبی	٦٧/٨٨	-٢/٢٤٦	*٠/٠٢٥
			کشت دیم	٤٦/٠٦		
		پایکوهی	کشت آبی	٥٨/٩٩	-٠/٩٨٩	ns٠/٠٣٢٢
			کشت دیم	٥٢/٩٥		

ج۹. میزان آگاهی‌های زیست‌محیطی و تأثیر آن بر نوع کشت براساس آزمون یومان ویتنی، مأخذ: (*) ٪۹۵ معناداری NS عدم معناداری.

بر طبق جدول شماره۱۰ که از طریق آزمون کروسکال والیس به‌بررسی میزان تأثیرپذیری آگاهی زیست‌محیطی از نوع مالکیت در مناطق روستایی (دشتی و پایکوهی) انجام گرفته با توجه به سطح معناداری هر بخش که عدم معناداری را بطور یقین نشان می‌دهد می‌توان این‌گونه استدلال نمود که به هیچ وجه آگاهی زیست-محیطی روستاییان تحت تأثیر شرایط مالکیت آن‌ها بر مسکن نیست بلکه تحت تأثیر عوامل گوناگون دیگر قرار می‌گیرد.

با توجه به جدول شماره۱۱ که از طریق آزمون اسپیرمن به سنجش رابطه میزان درآمد اشخاص و میزان آگاهی زیست‌محیطی روستاییان در دو منطقه دشتی و پایکوهی انجام گرفته با در نظر گرفتن تمامی اوصاف و سطح معناداری حاصله می‌توان این‌گونه نتیجه حاصل نمود که بین این دو ارتباطی وجود ندارد. علت آن نیز این مقوله می‌باشد که هنوز در نواحی روستایی به این سطح فرهنگی نرسیده‌اند که هزینه‌ای بابت جلوگیری از تخریب محیط‌زیست متقبل شوند و یا هزینه‌ای از طریق خود ساکنان جهت اجرای برنامه‌های آموزشی جهت بالابردن آگاهی زیست‌محیطی ساکنان روستایی انجام گیرد، در نتیجه میزان درآمد آن‌ها نتوانسته بصورت مستقیم بر آگاهی زیست‌محیطی آنها تأثیرگذار باشد.

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تیپ روستا	مقوله‌ها	میانگین رتبه‌ها	آماره آزمون	سطح معناداری
نوع مالکیت مسکن	آگاهی‌های زیست‌محیطی	دشتی	شخصی	٧٧/٩٩	١/٤٦٨	ns٠/٦٩٠
			اجاره‌ای	٦٦/٥٦		
			رهن	٧٣/٨٨		
			موروثی	٦٩/٠٣		
		پایکوهی	شخصی	٦٥/٦٨	٣/٧١٣	ns٠/٢٩٤
			اجاره‌ای	١٢٦/٠٠		
			رهن	٧٢/٠٠		
			موروثی	٤٩/٦٧		

ج۱۰. تفاوت میزان آگاهی‌های زیست‌محیطی بر حسب نوع مالکیت مسکن با استفاده آزمون کروسکال والیس.

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تیپ روستا	ضریب آماره	سطح معناداری
درآمد	آگاهی زیست‌محیطی	دشتی	-۰/۰۷۱	۰/۳۸۷ns
		پایکوهی	۰/۰۳۹	۰/۶۶۳ns

ج ۱۱. آزمون اسپیرمن جهت بررسی رابطه درآمد با آگاهی‌های زیست‌محیطی روستاییان NS عدم معناداری.

نتیجه

در بخش عوامل اجتماعی سه متغیر مستقل (میزان استفاده از رسانه‌های دیداری و شنیداری، بررسی متغیرهای اجتماعی به‌عنوان نقاط قوت فراروی افزایش آگاهی زیست‌محیطی، متغیرهای اجتماعی به‌عنوان موانع و ضعف‌های فراروی آگاهی زیست‌محیطی) استفاده شده است. نتایج حاصل درتمامی مؤلفه‌های اجتماعی رابطه معنادار با متغیر آگاهی زیست‌محیطی را نشان می‌دهد. لذا رابطه معناداری بین مؤلفه‌های اجتماعی خانوار روستایی با آگاهی زیست‌محیطی برقرار می‌باشد، البته لازم به ذکر است که میزان تأثیرگذاری عوامل اجتماعی در دو منطقه مورد پژوهش متفاوت است به‌گونه‌ای که این تأثیرگذاری در مناطق پایکوهی به‌طور چشم‌گیری کم‌تر از مناطق دشتی می‌باشد. علت این امر هم فاصله نسبتاً بیشتر این روستاها نسبت به روستاهای دشتی از مراکز ترویج آگاهی زیست‌محیطی در بخش اجتماعی است و دسترسی آن‌ها به این مراکز کم‌تر و حتی به بعضی از آن‌ها غیر ممکن است. درنهایت فرض اول پژوهش حاضر از لحاظ نتایج حاصله از این پژوهش به‌طور تقریبی با نتایج فاضل‌نیا و افتخاری (۱۳۸٤)، وانگ (۲۰۱٤)، هوری (۲۰۱۳)، کاریزر (۱۹۹۰)، فرهمند و همکاران (۱۳۹۲)، نامدار (۱۳۸۹) همسو بوده و فقط در نوع محیط مورد سنجش و مؤلفه‌های مبنا قرار گرفته در مؤلفه اجتماعی متفاوت است ولی نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش شاهنوشی (۱۳۸٦)، مولنیا (۲۰۱۳)، دونو (۲۰۱۰)، هانگفورد وولک (۱۹۹۰)، عمرانی و محمدی (۱۳۸٦) و صالحی (۱۳۹۰) هم جهت نبود و نتایج متفاوت بوده که بیش‌تر تحت تأثیر ویژگی‌های متفاوتی بوده است که مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

همچنین عوامل اقتصادی مورد سنجش در پژوهش حاضر شامل متغیرها در دو بُعد: الف: فردی (نوع شغل، میزان درآمد ماهیانه، مالکیت مسکن) و ب: ویژگی‌های شغلی (نوع کشت، چگونگی دسترسی به امکانات تولیدی) مورد سنجش قرار گرفته شده است. نتایج حاصل در دو بخش مؤلفه‌های فردی و ویژگی‌های شغلی خانوار و ارتباط آن‌ها با آگاهی زیست‌محیطی در دو ناحیه مورد مطالعه دشتی و پایکوهی به‌صورت مجزا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و هر دو ناحیه به‌صورت تقریبا همگون عدم ارتباط را (غیر از موارد خاص) نشان داده‌اند، این هم به علت نزدیکی شرایط شغلی دو محیط بوده است. البته فقط در تأثیر آگاهی زیست‌محیطی بر انتخاب نوع کشت تأثیرگذاری متفاوتی در دو محیط وجود داشت که آن‌هم تحت تأثیر شرایط محیطی منطقه بوده است. نتایج حاصله از این پژوهش در بخش فرض دوم به‌طور تقریبی با نتایج پیتر (۲۰۱۳)، خواجه شاهکوهی (۱۳۹٤)، صالحی(۱۳۹۲)، فرجی (۱۳۹۰)، حجازی (۱۳۹۳)، مهدومی (۱۳۹٤) همسو بوده ولی فقط در محیط مورد مطالعه و معیارهای جزویی مورد سنجش متفاوت بوده است ولی نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش دورفر (۱۹۹۲)، هانگفورد و ولک (۱۹۹۰)، رامزی (۱۹۷٦)، عبدالهی (۱۳۹۱)، باوثوق (۱۳۸٤) و قالیباف (۱۳۸۸)، کوکبی (۱۳۸٤) هم‌جهت نبود و نتایج متفاوت بوده که بیشتر تحت تأثیر این عامل بوده که این پژوهش‌ها بیشتر به تأثیرگذاری

آگاهی زیست‌محیطی بر رفتار زیست‌محیطی توجه نموده‌اند و به تأثیرگذاری عوامل دخیل بر ایجاد آگاهی زیست‌محیطی به‌خصوص عوامل اقتصادی مؤثر بر این عامل توجه نگردیده است. در نهایت پیشنهادهای زیر توصیه می‌گردد:

– مطالعه پژوهشی در راستای سنجش عوامل اثرگذار بر ارتقای آگاهی‌های زیست‌محیطی بین اقشار مختلف مردم در سنین مختلف و کلیه سطوح تحصیلی به‌ویژه افراد دارای تحصیلات پایین برای پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط‌زیست.

– مطالعه پژوهشی در راستای شناخت بهتر عوامل مؤثر برای برنامه‌ریزی و استفاده هرچه بیشتر از امکانات به‌ویژه رادیو به منظور ارتقای آگاهی افراد محلی در خصوص مسائل زیست محیطی.

– پیشنهاد می‌گردد که مطالعه‌ای در راستای آموزشگران محیط‌زیست برای ارتقای سطح یادگیری و ماندگار کردن آن از ترکیب روش‌های مشارکتی و رسانه‌های نو استفاده کنند. زیرا روش‌های ترکیبی ضمن جذب نسل‌جوان، آن‌ها را وادار به فعالیت‌های گروهی و تیمی می‌نماید و هم زمان از مزایای دو روش برخوردار می‌کند. هم‌چنین با توجه به تأثیر نسبتاً بالای استفاده از این روش‌ها، پیشنهاد می‌گردد که آموزش‌وپرورش، فرهنگ استفاده از این گونه روش‌های ترکیبی را در مدارس ترویج نماید و حتی به نوعی الزامی نماید.

– مطالعه در راستای شناخت اصول تقویت روحیه جمعی: کاهش فردگرایی و افزایش روحیه مشارکت، امری است که می‌تواند با فرهنگ‌سازی و تلاش در جهت آن عملی شود. باید در افراد جامعه مشارکت و کار جمعی و همچنین حس مسئولیت اجتماعی تقویت شود که این امر باعث می‌شود افراد به محیطی که در آن زندگی می‌کنند، دارای حس تعلق شوند و رفتارهای زیست‌محیطی بهتری داشته باشند.

فهرست منابع

– اژدری. (۱۳۸۲)، توسعه فرهنگی و محیط‌زیست، فصلنامه علمی سازمان حفاظت محیط‌زیست، شماره ۳۹.

– اسلام‌زاد، وحید. (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی محیط‌زیست، نشر سازمان سبز حزب اسلامی کار.

– افتخاری، عبدالرضارکن‌الدین و همکاران. (۱۳۸٤)، تبیین نظریه‌ای عوامل مؤثر بر شناخت و آگاهی روستاییان از توان‌های خود و محیط پیرامون، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱٤۹–۱۱۲.

– ترنر. (۱۳۸۸)، اقتصاد محیط‌زیست، ترجمه: کوچکی؛ ع، دهقانیان؛ سعید، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه فردوسی.

– رضوی، زهرا (۱۳۹۲)، بررسی اثرات افزایش صادرات غیرنفتی بر آلودگی محیط‌زیست، پایانامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

– خواجه شاهکوهی و همکاران. (۱۳۹٤)، بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی‌های زیست‌محیطی روستاییان (بررسی موردی: دهستان جاغرق در شهرستان بینالود)، پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، صص ۹۵–۸۵.

– صالحی، صادق و همکاران. (۱۳۹۱)، مطالعه تجربی رابطه آگاهی و رفتارهای زیست محیطی (مطالعه مناطق شهری و روستایی شهرستان سنندج)، مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۱، صص۱۲۱–۱٤۷.

– صالحی، صادق و همکاران. (۱۳۹۰)، بررسی رابطه دانش زیست‌محیطی و رفتار زیست‌محیطی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲٤،صص ۱۷۳–۱٦۰.

– فریت یوت، کاپرا. (۱۳۸٦)، پیوندهای پنهان: تلفیق گستره‌های زیست‌شناختی واجتماعی حیات در علم پایداری، ترجمه: محمد حریری اکبری، نشرنی، تهران.

– گراوندی، شهیر و همکاران. (۱۳۹۰)، مدل‌سازی توسعه پایدار زیست‌محیطی با استفاده از تئوری بنیانی

(موردمطالعه: روستای شروینه شهرستان جوانرود)، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۶، صص ۶۷-۷۸.

- لنگرودی، حسن و همکاران. (۱۳۹۰)، مروری بر مشکلات زیست‌محیطی روستاهای ایران و راهکارهای حل این مشکلات، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۳، ۱۰۱-۱۱۵.

- هوشمندان مقدم‌فرد، زهرا و همکاران. (۱۳۹٤)، عامل‌های مؤثر بر نگرش آموزگاران ابتدایی شهر زنجان در گنجاندن آموزش‌های کشاورزی و محیط‌زیست در برنامه‌های درسی، پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، صص ۵۲-٤۰.

- فرهمند و همکاران. (۱۳۹۳)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی (مورد بررسی: شهروندان شهر یزد)، مطالعات جامعه شناختی شهری، صص ۱٤۱-۱۰۹.

-Teksoz, G., Sahin, E. and Ertepinar, H. (2010). A New Vision for Chemistry Education Students: Environmental Education. International Journal of Environmental and Science Education, 5(2), 131-149.

- Köse, S., Gencer, A. S., Gezer, K., Erol, G. H. and Bilen, K. (20118). Investigation of undergraduate students' environmental attitudes.International Electronic Journal of environmental education, 1(2),

- Burton, R. J. (2017). The influence of farmer demographic characteristics on environmental behaviour:A review. Journal of environmental management,135, 19-26.

- Rhead, R., Elliot, M., and Upham, P. (2015). Assessing the structure of UK environmental concernand its association with pro-environmental behaviour.Journal of Environmental Psychology, 43, 175-183.

- Salehi, S. (2008). A Study of Factors Underpinning Environmental Attitudes and Behaviours, PhdDissertation. The University of Leeds.

Taskin, O. (2017). The environmental attitudes of Turkish senior high school students in the contextof postmaterialism and the new environmental paradigm. International Journal of Science Education,31(4), 481-502.

Yildiz, N. D., Yilmaz, H. and Demir, M. (2017). Effects of personal characteristics on environmental awareness; a questionnaire survey with university campus people in a developing country, Turkey. Scientific Research and Essays, 6(2), 332-340.

- Leonidou, L. C., Leonidou, C. N. and Kvasova, O. (2010). Antecedents and outcomes of consumerenvironmentally friendly attitudes and behaviour. Journal of MarketingManagement, 26(13-14), 1319-1344

- https://doi.org/10.22034/38.167.83